

منزبان

غلامحسین فرد اصفهانی

www.Ketab.ir

سرشناسه: فرد اصفهانی، غلامحسین، ۱۳۳۰ -
 عنوان و نام پدیدآور: میزبان / نویسنده غلامحسین فردا اصفهانی؛
 ویراستار سروش ملت پرست.
 مشخصات نشر: اصفهان: ترانه پدram، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۵۹ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۹۵-۱۲-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: آداب معاشرت

موضوع: Etiquette

موضوع: مهمانی‌ها

موضوع: Parties

موضوع: ارتباطات -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: Communication -- Psychology Aspects

رده بندی کنگره: B۱۸۵۳

رده بندی دیویی: ۳۹۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۵۵۱۱

میزبان

نویسنده: غلامحسین فردا اصفهانی

ویراستار: سروش ملت پرست

طراح جلد و امور هنری: فرزانه کرکوندی

نوبت چاپ اول / پاییز ۱۳۹۸

تعداد صفحات / قطع ۱۱۰ رقی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۸۱-۸۴-۱

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

تماس با نویسنده:

Email: hfard1951@gmail.com

آدرس: اصفهان، خیابان شیخ صدوق شمالی،

حدفاصل چهارراه نیکبخت و شیخ مفید،

ساختمان سرو، طبقه اول

۰۳۱-۳۶۶۳۷۴۰۲



انتشارات کتاب

WWW.ESPADANA-PEDRAM.ORG

فهرست

۱۲.....	انسان و تنهایی.....
۱۴.....	خانواده‌ها.....
۱۹.....	آداب معاشرت.....
۲۲.....	میزبان و مهمان.....
۲۹.....	عوت رای ملاقات.....
۳۱.....	دعوت با فیل.....
۳۳.....	دعوت از دوستان.....
۳۵.....	اخلاق و رفتار میزبان.....
۳۹.....	مهمانان ناخوانده.....
۴۱.....	روابط خانوادگی.....
۴۳.....	فداکاری در خانواده.....
۴۵.....	تبادل افکار.....
۴۷.....	هزینه‌های گران.....
۵۰.....	حسودی با میزبان.....
۵۱.....	جادو و میزبان.....
۵۳.....	بهداشت و میزبان.....
۵۵.....	امنیت در خانواده.....

۵۷		کودکان آسیب‌پذیرند
۶۱		رهبری در خانواده
۶۳		اقتصاد خانواده
۶۵		احترام به اصل ارتباط
۶۷		مهمان‌پذیری
۷۱		مهمان‌خوانده
۷۳		رعایت مقررات میزبان
۷۶		چند نکته مهم ایمنی
۷۹		شاد بودن در کنار میزبان
۸۲		آلودگی‌های رفتاری
۸۴		پرهیز از خاطرات تلخ
۸۷		با هم بودن یا بی هم ماندن
۹۰		صندوق‌های مهر در خانواده
۹۱		گردش‌های دسته‌جمعی
۹۱		سوگواری و میزبان
۹۶		نقش دوست مهم است یا خانواده؟
۹۹		بیماری‌های اجتماعی
۱۰۲		ملاقات از بیمار با میزبان
۱۰۷		میزبان و حیوان خانگی
۱۱۱		با حافظ

مقدمه

خانواده کوچک‌ترین نهاد جامعه است و می‌دانیم هر فرد رسالت و منش و شخصیت فرهنگی خود را به همراه دارد. پس در این راه‌گذر زندگی‌مان را پیش می‌بریم؛ تا از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماع بزرگ‌تر شده و سرانجام با ماحصل تلاش عمر خود به پایان راه می‌رسیم.

در این رابطه ما در یک جامعه که جمعیت آن تشکیل‌شده از قومیت‌های مختلف است و با پیامدهای گوناگون فرهنگی قرار می‌گیریم. پس بنابرین زندگی در آن کمی سخت و دشوار می‌شود. در چنین شرایطی بیشترین تضاد فکری هم در آن پیش می‌آید که دیده می‌شود هرکدام سار دلخواه خود را می‌نوازیم. به راستی اگر قانونی برای اداره این جماعت نباشد چه وضعیتی حاکم خواهد شد؟ البته در سایه رعایت قانون افراد می‌توانند در آن جامعه به رشد خود ادامه دهند.

می‌توان گفت اساس هر خانواده بر مهر و درستی تلاش اعضای آن برای یکی‌شدن است که پیشرفت و بهروزی را به ارمغان می‌آورد. در غیر این صورت از گردونه سازندگی در جامعه عقب‌مانده و آهنگ رشد جامعه کند می‌شود. صدالبته که پیشرفت هر خانواده‌ای به رشد و افزایش اطلاعات و آگاهی ارتباط می‌یابد تا جامعه کوچک‌تر پیوند بهتری با جامعه بزرگ‌تر برقرار ساخته و ارتباطات کامل‌تری پیدا کند.

حال این رشد یا باید از نظام آموزشی کشور آغاز شود و یا از ارتباط ناقص خود فرد با دیگر هم‌نوعان در جامعه شروع شده و به ما منتقل گردد. در هر صورت جامعه باید به گونه‌ای برای موازنه فرهنگ ملی، رشد بهتری پیدا کند و در این زمینه باید سعی و کوشش را سرلوحه‌ی کار کرد.

البته واقعیت این است که وقتی آموزشی در کار نباشد رفته‌رفته به‌سوی ناآل‌های نادرست تهاجمی و مخرب هم کشیده می‌شویم.

فرهنگ‌سازی این رشد ملی و نژاد و ژن و ذات هر فرد و ملیتی آغاز می‌شود و رفته‌رفته به رشد سواد ملی تبدیل می‌گردد و قانون هم آن را نظاره و اداره می‌کند.

حال با استناد به همین موضوعات پیش می‌بریم که رشد فرهنگی در جامعه برای همه به‌طور یکدست وجود ندارد. فرهنگ، حاکم بر جامعه طبق هوش و ذات و منش و سواد قومی و شیوه زندگی و ادب در اجتماع معنا پیدا می‌کند. عاملی که می‌شود برای بهترشدن به آن دلخوش کرد «مهربانی» است که در بین آدمی از هر طبقه‌ای وجود دارد. با این تفاسیر، اکنون چگونگی پرداختن به خلق و خوی هر فرد در محدوده روابط جمعی که در یک مهمانی وجود دارد برای میزبان آن دشوار می‌شود؛ چرا که نگاه‌ها و رفتارها و شیوه‌ی مدیریت این جمع متفاوت است.

این موضوع هم، به رشد و تجربه و سواد مربوط است. اگر الفبای

آیین رشد و سلامت روان در هر خانواده‌ای نهادینه شود، موجودی احساسات پاک در آن خانواده هم افزایش خواهد یافت و عزت نفس در آن‌ها بیشتر نمایان خواهد شد. با تثبیت مبانی فکری و فرهنگی یادشده میزبان مهربان هم برای جامعه ساخته می‌شود.

دیده می‌شود در نظام خانواده؛ در جایی که هنوز برای اعضای خود رشد فرهنگی را به ثبات نرسانده، بچه‌ها با ارتباط و پیوند خوردن با دیگر خانواده‌ها، به دردهای متفاوت فرهنگی کشیده می‌شوند. از این‌رو هر چه تمادهایی با فامیل خود با چالش‌ها و دردهایی مواجه می‌شوند. این موضوع گه‌گاه انرژی خانواده را می‌گیرد و از این‌رو دچار دوری و قهر می‌شوند و یا بالعکس این رابطه با ناسازگاری در خفا برجا می‌ماند.

اعضای خانواده می‌خواهند خود مان را به فرهنگ‌های دیگران نزدیک کنند تا به تعبیر خود، به‌رر رسیدن خود را جشن بگیرند. ولی هیچ راه تکاملی را طی نکرده و محکوم به ران و سرخوردگی هم می‌شوند.

یکی از معضلات خانوادگی و فامیل در این است که با حاد روابط نادرستی که هنوز شکل مدرن و سلامت روان را به خود نگرفته، در بین ما جدایی به‌وجود می‌آورد. از این‌رو بهتر است مدت‌زمان دیدارها کوتاه باشد تا مشکلی پیش نیاید. به‌طور مثال پریشانی روحی و بیماری‌های روانی در هر خانواده‌ای می‌تواند کارها را به‌هم بریزد. به‌همین دلیل

برای دیدار از هم بهتر است، یک جلسه به مدت نیم ساعت در نظر گرفته شود و نه بیشتر. در دیدارهای طولانی ما می‌گردیم تا از هم نقطه‌ضعفی پیدا کنیم و یا غیبت کنیم. یا آن‌که یک ایرادی از آدم در صحبت کردن پیدا شود و همان را در جای دیگر چماق کرده و طرف را تروا شخصیتی می‌کنیم. حتماً خواهید گفت چرا این‌گونه می‌شود؟ باید گفت ممکن است آن فرد بیمار باشد و عقدۀ حقارت یا مهرطلبی و خودشیفتگی و کم‌بود شخصیت و نبود اعتماد به نفس و ترس از رُویارویی با حقیقت داشته باشد. در هر صورت می‌توان گفت چنین فردی شخصیتی دارد که هرگز نتواند مشکل را رودررو حل کند و از هر دری چیزی می‌بافد تا ضعف خود را پشت آن پنهان سازد. در هر صورت به دلیل فقدان سلامت روان این نمایی که کار را به جدایی و گله‌گذاری در جای دیگر می‌کشاند و همچنان یک رابطه را خراب ادامه پیدا می‌کند.

پس بهتر است برای هر دیدار با عزیزان هشت نیم‌ساعته بگذاریم تا خوب همدیگر را ببینیم و کمتر به‌سوی حرف‌های بی‌فایده و دعوای کش‌دار و خاله‌زنکی کشیده شویم.

از آنجا که بنیان خانواده هیچ ابزاری برای اصلاح این شیوه‌های فرهنگی پیدا نکرده، همه دارند از این به‌هم‌ریختگی‌ها آسیب می‌بینند. یکی از ریشه‌های عمومی این مشکل در همه، از سویی کم‌رویی و از سوی دیگر رعایت نکردن چهارچوب اخلاق بین خود و هر میزبانی است. این کاستی‌ها منجر به بی‌اعتباری افراد در بین یکدیگر می‌شود؛